

## ثروتمند شدن از دیدگاه قرآن

خداوند حب مال و ثروت را فطری می‌داند (آل عمران: چهارده) و اصولاً همین میل غریزی است که انسان را به تلاش راغب می‌سازد.

خداوند زمینه‌های کسب ثروت را فراهم نموده (ملک: پانزده) و کسب ثروت را ذاتاً مذموم ندانسته است. قرآن ثروتمندانی همچون حضرت سلیمان (علیه السلام) (سبا: 12-13)، داوود (علیه السلام) (سبا: 10-11) و ذوالقرنین (کهف: 95 و 98) که مال را نعمت الهی دانسته و با دل‌بستگی به خدا (و نه مال) ثروت را در راه خدمت به دین خدا به کار بسته‌اند را در مقابل قارون (قصص: 79)، فرعون (یونس: هشتاد و هشت)، ولیدبن مغیره (قلم: 12-15 و مدثر: دوازده) و ابی لهب (مسد: 1-2) و به طور کلی مترفان، ملاً و مستکبران که عشق بیش از حد به مال موجب سقوط آنان شده قرار می‌دهد.

نگرش گروه اول آن است که مال، رحمت (کهف: نود و هشت) و فضل الهی است و گروه دوم از جمله قارون ثروت را دستاورد (دانش) خود دانسته‌اند (قصص: هفتاد و نه) و اصل امانت و نیز مبدأ و معاد را فراموش نموده و به شادخواری و التذاذ حیوانی مست شده‌اند.

قرآن هر دو نگرش را در قالب مثال زیبایی از دو باغ پر ثمر که مالک اولی آن را نعمت خدا می‌دانست و دیگری منکر اراده‌ی الهی شده و باغ وی نابود شد بیان می‌کند.

ثروت معیار ارزش نیست (اسراء: 90-93؛ زخرف: 51-53؛ بقره: 247؛ سبا: سی و هفت و کهف: بیست و هشت) همان‌طور که فقر ضد ارزش نیست. قرآن ثروت و غنای همراه با اتراف به معنی خودکامگی در مستهلک کردن مال و بطر به معنی طغیان‌گری به وسیله‌ی ثروت (اسراء: شانزده و انبیاء: 11-16) را نکوهش کرده و ثروت را زمینه‌ی طغیان دانسته است.

«كلا ان الانسان ليطغى ان راه استغنى». (علق: 6-7)

اصولاً ثروتمندان دنیاپرست حامیان و همدستان اصلی طاغوت‌هایی همچون فرعون و نمرود بوده‌اند.

## رشد اقتصادی از دیدگاه قرآن

انسان جانشین خدا در زمین است (بقره: سی) و از طرف او مأمور به حمل امانت الهی است. خداوند از انسان خواسته تا به آبادی و عمران امانتی که به او سپرده شده یعنی زمین و مظاهر آن بپردازد:

«والی ثمود اخاهم صالحا قال یا قوم اعبدوا اللّٰه ما لکم من اله غیره هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها فاستغفروه ثم توبوا الیه ان ربی قریب مجیب». (هود: شصت و یک)

آبادی و عمران زمین موجب افزایش رفاه انسان ها و موجب رشد اقتصادی می شود. رشد اقتصادی در اسلام فریضه و عبادت است. و البته هدف از رشد، خود انسان است. انسان موضوع و محور رشد اقتصادی است و از رهگذر ابتلا و عمل، درجات افراد تعیین شده و برای پاسخگویی در محضر الهی آماده می شوند.

رشد اقتصادی در اسلام همه جانبه است و عمارت بلاد و استصلاح اهل همزمان در خدمت معرفت و تقرب الی اللّٰه است. نیز این رشد متوازن است. هدف نه تنها افزایش تولید بکله عدالت در توزیع است. افراد قطع نظر از جنسیت و دین باید به حد کفایت سطحی از زندگی شرافتمندانه به حسب زمان و مکان را در اختیار داشته باشند.

## اصل تضمین روزی و حق معاش

خداوند روزی تمامی جنبندگان روی زمین را تضمین نموده است:

«وما من دابه فی الارض الا علی اللّٰه رزقها و یعلم مستقرها و مستودعها کل فی کتاب مبین». (هود: شش)

خداوند مبادی کسب روزی را نشان داده و خزاین روزی دست او است و او اندازه روزی همه را می داند:

«والارض مددناها و القینا فیها رواسی و انبتنا فیها من کل شیء موزون و جعلنا لکم فیها معایش و من لستم له برازقین و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم». (حجر: 19-21)

نیز رزق را به اراده ی خود فراوان و یا اندک می سازد: اللّٰه یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر». (رعد: بیست و شش) و البته به وفور لازمه های زندگی را در اختیار انسان قرار داده است:

«واللّٰه الذی خلق السماوات و الارض و انزل من السماء ماء فاخرج به من الثمرات رزقا لکم... و آتاکم من کل ما سألتموه و ان تعدوا نعمت اللّٰه لا تحصوها». (ابراهیم: 32-34) (هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعا». (بقره: بیست و نه) نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیاة الدنیا و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیخذ بعضهم بعضا سخریا». (زخرف: سی و دو)

«وجعل فیها رواسی من فوقها و بارک فیها و قدر فیها اقواتها فی اربعه ایام سواء للسائلین». (فصلت: ده)

احدی حق ندارد از ترس فقر، فرزندان خود را بکشد. امید به رزاقیت الهی و توکل به او لازم و ملزوم تلاش مستمر انسان است (اسراء: سی و شش و انعام: صد و پنجاه و یک)

خداوند بخش زیادی از ثروت های طبیعی چون دریاها، رودخانه ها، کوه ها، جنگل ها، دشت ها و بیابان ها، معادن، حیوانات بیابانی، ماهی های دریاها و رودخانه ها، درختان جنگلی، علف های بیابان و... را از دایره ی مالکیت خصوصی خارج کرده و همه ی افراد را با رعایت مصالح اجتماعی که دولت اسلامی تشخیص می دهد و در استفاده و بهره برداری از آن ها یکسان دانسته است. لذا پیامبر اکرم(صلی اللّٰه علیه وآله) مأمور می شوند غنایم و ثروت های عمومی را بین همه توزیع کنند تا ثروت در دست اغنیا متمرکز نشود:

«ما افاء اللّٰه علی رسوله من اهل القرى فله و للرسول و لذی القربى و الیتامى و المساکین و ابن السبیل کی لا یکون دولة بین الاغنیاء منکم». (حشر: هفت)

رزق مقدر الهی به میزان مشیت او است و چنانچه رزق بیش از مقدار لازم باشد زمینه ی بغی فراهم می شود:

«ولو بسط اللّٰه الرزق لعباده لبغوا فی الارض ولکن ینزل بقدر ما یشاء انه بعباده خیر بصیر». (شوری: بیست و هفت)

خداوند رزق گروهی را بر گروه دیگری برتری داده است (نحل: هفتاد و یک)

خداوند با گرسنگی و کاهش ثروت انسان ها را آزمایش می کند:

«ولنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و النفس و الثمرات و بشر الصابرين» (بقره: صد و پنجاه و پنج)

البته وسعت مال لزوماً مرادف عنایت و اقبال خداوند نیست بلکه بعضاً در جهت امهال کفار است:

«فلا تعجبک اموالهم ولا اولادهم انما يريد الله ليعذبهم بها فی الحياه الدنيا و تزھق انفسهم و هم کافرون» (طه: صد و سی و یک و توبه: پنجاه و پنج)

### ثروت و دارایی در باورهای رایج بین مردم و نقد آنها

در باور برخی از انسان‌ها ثروت دارای ویژگی‌های زیر است که قرآن کریم ضمن طرح آنها به عنوان باورهای نادرست و البته رایج، به هر یک از آنها پاسخ مناسبی می‌دهد. پاسخ‌های اختصاصی قرآن در هر بخش به ضمیمه معارفی که گویای حقیقت مادی و معنوی مال و ثروت است؛ پاسخ کاملی را به این طیف از باورها ارائه می‌دهند.

**باورهای رایج بین مردم را می‌توان در موارد زیر دسته بندی کرد:**

#### 1. معیار ارزش و برتری فردی و اجتماعی

عده ای ثروت و دارایی با معیار برتری فردی و اجتماعی نسبت به دیگر افراد تلقی کرده و جالبتر اینکه طرفهای مقابل هم بر اساس همین اندیشه غلط رفتاری بر اساس این باور از خود نشان می‌دهند. برای نمونه قرآنی آن می‌توان به آیه 247 سوره بقره اشاره کرد که در آن، ثروتمندان جامعه به دلیل داشتن ثروت بیشتر خود را برای رهبری شایسته‌تر می‌دانستند. نَحْنُ اَحَقُّ بِالْمَلِكِ مِنْهُ وَ لَمْ يُوْتْ سَعَهُ مِنَ الْمَالِ (247- بقره)؛

پاسخ خداوند در ادامه آیه این چنین است: قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ یعنی برای هر کاری ملاکهای خاص خودش لازم است و در موضوع رهبری و مدیریت جامعه ثروت و دارایی فرد ملاک نیست.

### پس انداز، سرمایه گذاری و تولید

تولید عنصر اساسی در طلب روزی است. هدف از تولید، رشد و ثروت جامعه برای رفاه بیشتر و جهت دهی جامعه به قرب الهی است. عوامل تولید و منابع معیشت انسان فراوان است و همگی مسخر انسان است. تولید، ابتغای فضل الهی و جلب رزق و عطای او است. نیز تولید موجب آبادانی می گردد (هود: شصت و هفت). انسان ها موظف به اعداد قوای تولید و سرمایه گذاری تا سرحد استطاعت شده اند تا با ایجاد و قدرت بازدارندگی زمینه ی استقلال و عزت امت اسلامی فراهم گردد. (انفاق: شصت)

قرآن در آیات بسیاری منابع و عوامل مسخر انسان برای پردازش و برخورداری را تصریح نموده است: زمین حاصل خیز، معادن و فلزات، آب، جنگل ها و مراتع، میوه ها و گیاهان، باد؛ چهارپایان و... همگی اشاراتی است به این که مردم با استفاده از این مواهب الهی اقدام به فرآوری و ایجاد ارزش افزوده و تنعم از نعم الهی نموده و از فضل و عطای او برای ابتغای دارالآخره استفاده نمایند. قرآن، هم تولید کشاورزی از قبیل زراعت و دامپروری و صید و هم تولید صنعتی از قبیل تولید زره کشتی سدسازی... را متعرض گشته است.

نیز به نیروی انسانی و اهمیت آن، کار و روابط کارگر و کارفرما و انواع قراردادهای مشروع پرداخته است.

قرآن بر تدبیر ذوالقرنین در ساخت سد بین دو کوه و منع افساد یأجوج و مأجوج (کهف: 94-97) و نیز درایت حضرت یوسف در مقابله با خشک سالی و اهمیت پس انداز، قناعت و صرفه جویی تأکید می کند. (یوسف: 47-49)

قرآن ضمن آیه ی «ولا توتوا السفهاء الموالکم التي جعل اللّٰه لکم قیاما و ارزقوهم فیها و اکسوهم و قولوا لهم قولا معروفا». (نساء: پنج)

Page | 6 اشاره می کند امور زندگی سفها باید از منافع مال تأمین گردد و نه از اصل سرمایه. این امر بر اهمیت سرمایه گذاری و ایجاد ارزش افزوده تأکید دارد.